

پیشخوان

مروری بر بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای درباره موسیقی»
در آیینه یک اثر نوانتشار

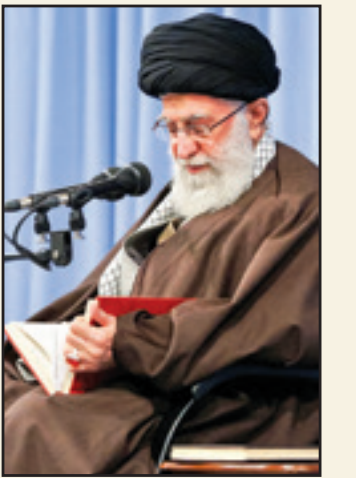
موسیقی متعالی بستر ساز رشد انسان

■ **سمانه صادقی**



اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، همان‌گونه که در عنوان خویش مجعوه، اشاره به نکات ذیل را فرونهاده است: «کتاب موسیقی با روش تحلیل مضمون، بیانات حضرت آیت‌الله‌عظمی‌خامنه‌ای(مدظله‌العالی)

است. پژوهش در این باره از ملزومات شناخت اندیشه‌های فرهنگی رهبر شهیداست که این کتاب به آن کمکی شایان نموده‌است.این تحقیق ازسوی مهدی گرامی‌پور انجام شده و انتشارات انقلاب اسلامی وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار قائد شهید، آن را در اختیار علاقه‌مندان نهاده است. تازنمای ناشر در باب مضمون و محتوای این مجموعه، اشارت به نکات ذیل را فرونهاده است: «کتاب موسیقی با روش تحلیل مضمون، بیانات حضرت آیت‌الله‌عظمی‌خامنه‌ای(مدظله‌العالی) درباره موضوع موسیقی را واکاوی می‌کند. این اثر که به همت مهدی گرامی‌پور و ازسوی نشر انقلاب اسلامی عرضه شده‌است، بر خلاف کتاب غنا و موسیقی – که متنی تخصصی دارد- درصدد بیان روان و ساده مسئله موسیقی برای تمام آحاد جامعه است. هنر محملی برای بیان اندیشه‌هاست. هر چه این ابزار رساتر و گیرا تر باشد، ماندگاری اندیشه‌ها بیشتر است. به علاوه در بین تمامی شاخه‌های هنری، موسیقی فراگیری بیشتری دارد. این شد که کتاب موسیقی در شش فصل، چند و چون این مهم را از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی بررسی کرده‌است.فصل نخستین کتاب به کلیاتی از قبیل جایگاه هنر در ارئه معارف اسلامی و در انتقال فکر و اندیشه می‌پردازد. نقش هنر در تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب را تبیین می‌کند و پس از ارائه تعریف هنر دینی به تاریخچه موسیقی می‌پردازد. چستی موسیقی، تفکیک



▲ **۱۳۹۸ آذر ۲۴**، درس خارج‌حقه

بین غنا و موسیقی، موسیقی‌متعالی، چرایی، ظرفیت و کار کردها و تأثیرات موسیقی از جمله مباحث مطرح شده در فصل‌های دوم و سوم کتاب هستند. از دیدگاه این فصول، چنانچه موسیقی بستر بیان اهداف متعالی قرار گیرد، خود متعالی می‌شود، مقدس می‌شود، باید به آن گوش داد و در محفل آن شرکت کرد، چراکه با انتقال اهداف متعالی، زمینه رشد انسان را فراهم می‌کند. فصل چهارم کتاب، ناظر بر چگونگی موسیقی است. موضوعاتی از قبیل اصول، الزامات ناظر به محتوا و آهنگ، نقش صدا و سیما، مداخلن و طلاب حوزه علمیه، بخش زیادی از این فصل را به خود اختصاص داده‌است. شاید برخی ورود علما و طلاب به عرصه هنر را چندان پسندیده ندانند اما از دیدگاه رهبر انقلاب و با توجه به اهمیت و خود اختصاص داده‌است. شاید برخی ورود علما و طلاب به عرصه هنر را چندان پسندیده ندانند اما از دیدگاه رهبر انقلاب و با توجه به اهمیت و وقت خود را صرف هنر جهت‌دار کنند و قطعات موسیقی شرعی و حلال بسازند. در نهایت دو فصل پایانی – که مهم‌ترین و کاربردی‌ترین مطالب را بازگو می‌کنند - با مبانی فقهی حکم موسیقی و پریش و پاسخ، کتاب موسیقی را تکمیل می‌کنند. غفلت از ویژگی‌های موسیقی، پیامدهای عینده‌ای دارد، زیرا موسیقی فراتر از زبسان و ملیت‌های گوناگون، ابزار مهمی در انتقال مفاهیم است. لذا در صورت اهمال در شناخت ویژگی‌های موسیقی، گاهی با یک موسیقی سخیف اهداف انسانی تغییر کرده و مسیرش دگرگون می‌شود. بنابراین باید با شناخت موسیقی اسلامی و متعالی، رو‌نشانی برای انتقال مفاهیم اسلامی، انقلابی و حتی روشنگری استفاده کنیم. نه تنها اصحاب هنر و رسانه مخاطبان این اثر هستند، بلکه هر انسانی که به دنبال شاخصه‌های هنر متعالی است و رسیدن به موسیقی حلال و حرام‌ارزش اهمیت دارد، می‌تواند از این اثر استفاده کند...»

تاریخ

تاریخ ۸۵۲۳۰۶۰



واکاوی رویکرد «رفق» و «صبر»، در سیره سیاسی رهبر شهید

او «قدرت مهربان» داشت که حاصل عقل و عرفان بود

■ **پروین قائمی**



در دنیای سیاست، جایی که قدرت اغلب با تندی و سلطه تعریف می‌شود، ممکن است در نگاه افراد سطحی، مفهومی به نام «مدارا» به معنای مست‌عز می یا پذیرش بی‌چون و چرای خطاها به

نظر برسد، اما وقتی به سیره و سیاست رهبر شهید انقلاب اسلامی می‌نگریم، درمی‌یابیم که مدارای ایشان نه از سر عجز، بلکه از سر «قدرت مهارشده» بود. مدارا در اینجا یعنی توانایی پذیرش تفاوت‌ها، صبوری در برابر تندی‌ها و باز گذاشتن درهای بازگشت برای کسانی که در مسیر حقیقت گم شده‌اند. این رویکرد، ریشه در اندیشه‌ای دارد که سیاست را نه ابزاری برای حذف مخالف، بلکه وسیله‌ای برای نجات انسان‌ها می‌بیند. در بسیاری از سخنرانی‌های ایشان، تأکید آری مکرر بر این نکته دیده می‌شود که هدف ما، جذب حداکثری و دفع حداقلی است. این تفاوت بنیادین در نگاه، باعث می‌شود؛ مدارای ایشان با جریان‌ات مختلف، حتی در سخت‌ترین مقاطع تاریخی، نه یک تاکتیک سیاسی، بلکه یک تکلیف اخلاقی قلمداد شود. مقال پی آمده، در خصوص این موضوع به نگارش درآمده‌است. امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **باز خوانی صبوری نبوی(ص) و علوی(ع)**
برای درک عمیق‌تر رفق و مدارایی که از آن سخن می‌گوییم، باید آن را در زنجیره سیره معصومین(ع) جست‌وجو کرد. مدارای رهبری، ابداع جدیدی نبود، بلکه احیای سنت نبوی در دوران معاصر به شمار می‌رفت. پیامبر اکرم(ص) در طول زندگی خود با سخت‌ترین تندی‌ها و تندروی‌ها از دشنام گرفته تا تلاش برای قتل روبه‌رو بودند، اما پاسخ ایشان همواره مدارایی‌انتها بود. در تاریخ می‌خوانیم ایشان حتی با کسانی که هر روز به ایشان آسیب می‌زدند با لبخند و خوروبوی روبه‌رو می‌شدند. در نهج‌البلاغه شریف‌نیز امام‌علی(ع) در نامه‌های خود به ابان، مدام بر رفق با رعیت تأکید می‌کردند.ایشان در موضعی فرمودند:«با مردم چنان رفتار کن که اگر تو جایی آنها بوی، دوست داشتی با تو چنین رفتار شود.» این هم‌حسی یا همدلی، در رویکرد شهید آیت‌الله خامنه‌ای به‌شدت جاری بود. وقتی ایشان به مسئولان توصیه

می‌کردند «با مردم مدارا کنید و تندی نکنید»، در واقع همان دستورالعمل علوی را بازتولید می‌کردند. مثال‌های تاریخی از عدالت امام‌علی(ع) که حتی در حق دشمنان‌شان نیز آن را رعایت می‌کردند، در رفتار رهبری با کسانی که دچار لغزش شده بودند، تجلی می‌یافت. اینکه آن بزرگ برای بازگشت به مخالفان فرصت‌های متوالی می‌دادند، دقیقاً همان عدالت رحیمانه بود؛ عدالتی که نمی‌خواست کسی را در تنگنای ناامیدی قرار دهد. این رویکرد را می‌توان «سخاوتمندی سیاسی» نامید.در سیره امام‌علی(ع)، عدالت هرگز خشک و مکانیکی نبود، بلکه همواره با رحمت گره خورده بود.ایشان می‌فرمودند: در رفتار با مردم، حتی در مقام مجازات باید چنان رفق کرد که عدالت بوی انتقام ندهد. رهبری نیز در بازخوانی این سیره، مفهوم قدرت را از «سلطه» به «خدمت» تغییر دادند. در واقع، مدارای ایشان با کسانی که لغزیده بودند، تکرار همان سخاوت علوی بود؛ سخاوتی که در آن، رهبر نه تنها مال و مقام، بلکه بخشایش و فرصت را به مخالفان می‌بخشد.

اگر به بیانات رهبری در مواجهه با منتقدان یا لغزش‌های برخی چهره‌های سیاسی بنگریم، این اصل را عیان می‌بینیم. همان صبوری‌ای که می‌خواهد به طرف مقابل بگوید: من تو را می‌بینم، نه تندی تو را! این پوستگی سبیره، نشان می‌دهد رهبری در مدیریت جامعه از «الگوی رحمت» پیروی می‌کرده؛ الگویی که در آن، بخشش، والاترین شکل عدالت است. هم در سیره پیامبر و هم در سیره امام‌علی و اکنون در رهبری، رفق هرگز به معنای «سادگی» یا «ناآگاهی» نیست، بلکه «رفق بصیرت» است. یعنی رهبر می‌داند که دشمن کیست و کجا باید قاطع باشد، اما هم‌زمان می‌داند که باید به هر انسانی، فرصت بازگشت و نجات داد. این توازن میان «قاطعیت در اصل» و «رفق در برخورد»، همان میراثی است که از پیامبر و علی به رهبری رسید و ازسوی ایشان در مدیریت بحران‌های داخلی به کار گرفته شد.

■ **مدارا به‌عنوان یک «سرمایه انسانی»، فراتر از سیاست**

در نهایت باید پرسید: این همه رفق و مدارا چه دستاوردی برای جامعه دارد؟ اگر مدارا را صرفاً یک موضوع سیاسی ببینیم، دچار اشتباه شده‌ایم. این مدارا در واقع نوعی سرمایه‌گذاری بر روح انسان‌هاست. وقتی رهبر با رفق با یک گروه یا فرد رفتار می‌کند، در واقع دارد بسدر اعتماد را در خاک جامعه می‌کارد. این اعتماد در زمانه طوفان‌های



روزنامه جوان | شماره ۷۶۴۳

جوان

د

مدارای آیت‌الله خامنه‌ای، تبلور پیوند میان «عقل سیاسی» و «عرفان اخلاقی» بود. او به ما آموخت که می‌توان در عین صلابت، در غایت رفق با انسان‌ها رفتار کرد. این منش نه از سر کم توانی، بلکه معلول آگاهی عمیق بود؛ بصیرتی که می‌دانست حقیقت، نهایتاً با آرامش پیروز می‌شود، نه با تندی. رفق و مدارای وی، در واقع سرمایه انسانی نظام بود که اجازه نداد انقلاب در تلاطمات موجود تحلیل برود

موضوع پی آمده است:

۱- **الگوی نبوی و علوی**

در تألیفات و سخنرانی‌های ایشان، اشاره‌های متعددی به سیره پیامبر اکرم(ص) در فتح مکه دیده می‌شود. جایی که در اوج قدرت، بخشایش را بر انتقام ترجیح دادند. رهبری این الگو را در سیاست امروز پیاده کردند و حتی با کسانی که در مقاطع مختلف به نظام آسیب زدند، اگر راه بازگشت را می‌جستند با قلبی گشوده به آنان نشان می‌دادند.

۲- **تفکیک میان «خطای انسانی» و «لجاجت استکباری»**

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های رهبر شهید، توان تفکیک بود. آیت‌الله خامنه‌ای همواره میان کسی که از روی برداشت‌های غلط یا تکبر سیاسی با حقیقت در ستیز است و کسی که آگاهانه در خدمت دشمن است، تفاوتی قائل می‌شد. مدارای وی با گروه اول، از این رو بود که باور داشت، حقیقت در نهایت پیروز است و هر انسانی حق دارد فرصتی برای بازگشت داشته

باشد. در مواجهه با جریان‌های منتقد چه در داخل و چه در خارج، هرگز دیده نشد که او با تندی یا توهین پاسخ دهد. این صبوری راهبردی، در واقع نوعی کنترل چهل بازختم طرف مقابل بود. در بسیاری از جلسات با مدیران و مسئولان، می‌توان کسی که از روی برداشت‌های غلط یا تکبر سیاسی با حقیقت در ستیز است و کسی که آگاهانه در خدمت دشمن است، تفاوتی قائل می‌شد. مدارای وی با گروه اول، از این رو بود که باور داشت، حقیقت در نهایت پیروز است و هر انسانی حق دارد فرصتی برای بازگشت داشته باشد. در مواجهه با جریان‌های منتقد چه در داخل و چه در خارج، هرگز دیده نشد که او با تندی یا توهین پاسخ دهد. این صبوری راهبردی، در واقع نوعی کنترل چهل بازختم طرف مقابل بود. در بسیاری از جلسات با مدیران و مسئولان، می‌توان کسی که از روی برداشت‌های غلط یا تکبر سیاسی با حقیقت در ستیز است و کسی که آگاهانه در خدمت دشمن است، تفاوتی قائل می‌شد. مدارای وی با گروه اول، از این رو بود که باور داشت، حقیقت در نهایت پیروز است و هر انسانی حق دارد فرصتی برای بازگشت داشته

باشد. در مواجهه با جریان‌های منتقد چه در داخل و چه در خارج، هرگز دیده نشد که او با تندی یا توهین پاسخ دهد. این صبوری راهبردی، در واقع نوعی کنترل چهل بازختم طرف مقابل بود. در بسیاری از جلسات با مدیران و مسئولان، می‌توان کسی که از روی برداشت‌های غلط یا تکبر سیاسی با حقیقت در ستیز است و کسی که آگاهانه در خدمت دشمن است، تفاوتی قائل می‌شد. مدارای وی با گروه اول، از این رو بود که باور داشت، حقیقت در نهایت پیروز است و هر انسانی حق دارد فرصتی برای بازگشت داشته

باشد. در مواجهه با جریان‌های منتقد چه در داخل و چه در خارج، هرگز دیده نشد که او با تندی یا توهین پاسخ دهد. این صبوری راهبردی، در واقع نوعی کنترل چهل بازختم طرف مقابل بود. در بسیاری از جلسات با مدیران و مسئولان، می‌توان کسی که از روی برداشت‌های غلط یا تکبر سیاسی با حقیقت در ستیز است و کسی که آگاهانه در خدمت دشمن است، تفاوتی قائل می‌شد. مدارای وی با گروه اول، از این رو بود که باور داشت، حقیقت در نهایت پیروز است و هر انسانی حق دارد فرصتی برای بازگشت داشته

باشد. در مواجهه با جریان‌های منتقد چه در داخل و چه در خارج، هرگز دیده نشد که او با تندی یا توهین پاسخ دهد. این صبوری راهبردی، در واقع نوعی کنترل چهل بازختم طرف مقابل بود. در بسیاری از جلسات با مدیران و مسئولان، می‌توان کسی که از روی برداشت‌های غلط یا تکبر سیاسی با حقیقت در ستیز است و کسی که آگاهانه در خدمت دشمن است، تفاوتی قائل می‌شد. مدارای وی با گروه اول، از این رو بود که باور داشت، حقیقت در نهایت پیروز است و هر انسانی حق دارد فرصتی برای بازگشت داشته

باشد. در مواجهه با جریان‌های منتقد چه در داخل و چه در خارج، هرگز دیده نشد که او با تندی یا توهین پاسخ دهد. این صبوری راهبردی، در واقع نوعی کنترل چهل بازختم طرف مقابل بود. در بسیاری از جلسات با مدیران و مسئولان، می‌توان کسی که از روی برداشت‌های غلط یا تکبر سیاسی با حقیقت در ستیز است و کسی که آگاهانه در خدمت دشمن است، تفاوتی قائل می‌شد. مدارای وی با گروه اول، از این رو بود که باور داشت، حقیقت در نهایت پیروز است و هر انسانی حق دارد فرصتی برای بازگشت داشته

باشد. در مواجهه با جریان‌های منتقد چه در داخل و چه در خارج، هرگز دیده نشد که او با تندی یا توهین پاسخ دهد. این صبوری راهبردی، در واقع نوعی کنترل چهل بازختم طرف مقابل بود. در بسیاری از جلسات با مدیران و مسئولان، می‌توان کسی که از روی برداشت‌های غلط یا تکبر سیاسی با حقیقت در ستیز است و کسی که آگاهانه در خدمت دشمن است، تفاوتی قائل می‌شد. مدارای وی با گروه اول، از این رو بود که باور داشت، حقیقت در نهایت پیروز است و هر انسانی حق دارد فرصتی برای بازگشت داشته

باشد. در مواجهه با جریان‌های منتقد چه در داخل و چه در خارج، هرگز دیده نشد که او با تندی یا توهین پاسخ دهد. این صبوری راهبردی، در واقع نوعی کنترل چهل بازختم طرف مقابل بود. در بسیاری از جلسات با مدیران و مسئولان، می‌توان کسی که از روی برداشت‌های غلط یا تکبر سیاسی با حقیقت در ستیز است و کسی که آگاهانه در خدمت دشمن است، تفاوتی قائل می‌شد. مدارای وی با گروه اول، از این رو بود که باور داشت، حقیقت در نهایت پیروز است و هر انسانی حق دارد فرصتی برای بازگشت داشته

باشد. در مواجهه با جریان‌های منتقد چه در داخل و چه در خارج، هرگز دیده نشد که او با تندی یا توهین پاسخ دهد. این صبوری راهبردی، در واقع نوعی کنترل چهل بازختم طرف مقابل بود. در بسیاری از جلسات با مدیران و مسئولان، می‌توان کسی که از روی برداشت‌های غلط یا تکبر سیاسی با حقیقت در ستیز است و کسی که آگاهانه در خدمت دشمن است، تفاوتی قائل می‌شد. مدارای وی با گروه اول، از این رو بود که باور داشت، حقیقت در نهایت پیروز است و هر انسانی حق دارد فرصتی برای بازگشت داشته

باشد. در مواجهه با جریان‌های منتقد چه در داخل و چه در خارج، هرگز دیده نشد که او با تندی یا توهین پاسخ دهد. این صبوری راهبردی، در واقع نوعی کنترل چهل بازختم طرف مقابل بود. در بسیاری از جلسات با مدیران و مسئولان، می‌توان کسی که از روی برداشت‌های غلط یا تکبر سیاسی با حقیقت در ستیز است و کسی که آگاهانه در خدمت دشمن است، تفاوتی قائل می‌شد. مدارای وی با گروه اول، از این رو بود که باور داشت، حقیقت در نهایت پیروز است و هر انسانی حق دارد فرصتی برای بازگشت داشته

باشد. در مواجهه با جریان‌های منتقد چه در داخل و چه در خارج، هرگز دیده نشد که او با تندی یا توهین پاسخ دهد. این صبوری راهبردی، در واقع نوعی کنترل چهل بازختم طرف مقابل بود. در بسیاری از جلسات با مدیران و مسئولان، می‌توان کسی که از روی برداشت‌های غلط یا تکبر سیاسی با حقیقت در ستیز است و کسی که آگاهانه در خدمت دشمن است، تفاوتی قائل می‌شد. مدارای وی با گروه اول، از این رو بود که باور داشت، حقیقت در نهایت پیروز است و هر انسانی حق دارد فرصتی برای بازگشت داشته

باشد. در مواجهه با جریان‌های منتقد چه در داخل و چه در خارج، هرگز دیده نشد که او با تندی یا توهین پاسخ دهد. این صبوری راهبردی، در واقع نوعی کنترل چهل بازختم طرف مقابل بود. در بسیاری از جلسات با مدیران و مسئولان، می‌توان کسی که از روی برداشت‌های غلط یا تکبر سیاسی با حقیقت در ستیز است و کسی که آگاهانه در خدمت دشمن است، تفاوتی قائل می‌شد. مدارای وی با گروه اول، از این رو بود که باور داشت، حقیقت در نهایت پیروز است و هر انسانی حق دارد فرصتی برای بازگشت داشته

می‌شود، اما رفق سخت‌ترین قلوب را نیز نرم می‌کند. مدارای ایشان با این جریان‌ات، در واقع به آنها نشان داد که نظام اسلامی به دنبال انتقام نیست، بلکه در پی نجات هر انسانی است که راه بازگشت را بچوید.

■ **پاسخ به تندی با سکوت معنادار و آرامش**

یکی از ویژگی‌های متمحصر به‌فرد در سیره سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، توانایی شگفت‌انگیز او در تعامل با منتقدان بود. در دنیای سیاست، جایی که کوچک‌ترین انتقاد را توهین تلقی می‌کنند و با ابزار قدرت پاسخ می‌دهند، ایشان راهی متفاوت را برگزید. در مقاطع بسیاری چه در داخل و چه در خارج، چهره‌های مختلفی با لحنی تند و گاه تخریبی به ایشان تاختند، اما در پاسخ، هرگز دیده‌نشد که ایشان با لحنی مشابه یا خصمانه واکنش نشان دهد. این سکوت راهبردی و پاسخ متین، در واقع بالاترین سطح مداراست. ایشان با این رفتار به منتقدین نشان دادند، قدرت واقعی، در مهار خشم است، نه در رها کردن آن.

در پرونده‌های بسیاری از مدیران، مسئولان یا حتی آن طیف از چهره‌های سیاسی که دچار لغزش شده بودند، ایشان به جای برخورد سختگیرانه و حذف سریع، راه تأمل و فرصت دادن را انتخاب کردند. بسیاری از این افراد، پس از سال‌ها و به دلیل همین سعه‌صدر و عدم تلافی، توانستند دوباره به مسیر درست بازگردند. این رفق در برابر لغزش‌ها، نشان می‌دهد ایشان هرگز اجازه نداد تا قدرت جایگزین رحمت شود.

ایشان همواره تأکید داشت، تندی در برخورد با مردم، نه تنها نتیجه نمی‌بخشد، بلکه دشمن را تقویت می‌کند. این نگاه، مدارا را از یک ویژگی شخصی به یک «سیاست حکومتی» تبدیل کرد. در نظر ایشان، هرگونه برخورد تند با توده‌ها، نوعی باختگی در سیاست تلقی می‌شد. سیاستمدار بصیر کسی است که بداند، کجا باید قاطع باشد و کجا باید با ملایمت و مهر، هرگونه تندی را جذب کند تا آرامش جامعه دستخوش تهدید نشود.

■ **بصیرت در مدیریت بحران**

با نگاهی جامع به تاریخ چهار دهه اخیر درمی‌یابیم که مدارای راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای، تنها یک فضیلت اخلاقی نبود، بلکه یک ضرورت سیاسی برای حفظ انسجام ملی و ثبات نظام در برابر تلاطمات شدید بود. این رویکرد در سه سطح بنیادین اثر گذار بود:

۱- **کاهش هزینه‌های اجتماعی و جلوگیری از گفت‌و‌ها**
تفاوت‌ها و تضادهای نظری اجتناب‌ناپذیرند، اما سخن در این است که با این تضادها چگونه برخورد شود. اگر آیت‌الله خامنه‌ای در مقاطع حساس، تندی و حذف سریع مخالفان را جایگزین مدارا می‌کردند، جامعه با گسست‌های عمیق‌تر و شکاف‌های اجتماعی وسیع‌تری روبه‌رو می‌شد. مدارای ایشان در برابر خطاهای انسانی جریان‌ها و افراد، به جای تبدیل شدن به دشمنان قسم‌خورده، در مسیر بازگشت و اصلاح قرار گیرند. در واقع، این رفق، مانع از تبدیل شدن اختلافات سیاسی به جنگ‌های داخلی شد.

۲- **انسداد مسیر نفوذ دشمن (بستن شکاف‌ها):**
دشمنان همواره در تلاش بوده‌اند تا از تندی‌های داخلی و مظلوم‌نمایی‌های مخالفان، به‌عنوان ابزاری برای نفوذ و تحریک توده‌ها استفاده‌کنند. در سنا موارد، هر تندی و خشودتی در رفتار بسا ناامضیان، یک فرصت طلایی برای دشمن است تا روایت خود را از سرکوب بسازد، اما هنگامی رهبری رفق و مدارا را سرلوحه رفتار قرار دادند، در واقع این روایت دشمن را باطل نمودند. رواداری ایشان، هرگونه توجیهی را برای اتحاد مخالفان با استکبار خنثی می‌کرد و به آنان نشان می‌داد که در نظام اسلامی، راه بازگشت و گفت‌وگو همواره باز است. این یک بصیرت پیشگیرانه بود که می‌دانست صبوری در برابر تندی، مؤثرترین سلاح برای خنثی کردن توطئه‌هاست.

■ **باز تعریف مفهوم «قدرت» (قدرت مهربان)**

مدارای ایشان مدل جدیدی از قدرت را به جهان معرفی کرد. قدرتی که نیازی به تلافی و انتقام ندارد. این رویکرد، چهره‌ای انسانی، متین و باوقار به نمایش کشید. قدرتی که در عین قاطعیت در اصول، در برخورد با انسان‌ها رحیم است. این قدرت مهربان، باعث شد تا حتی در میانه سخت‌ترین بحران‌ها، یک لایه حمایتی از اعتماد و مهر در جامعه شکل بگیرد که تکیه‌گاه بسیاری از مردم در برابر طوفان‌های سیاسی بود.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که مدارای آیت‌الله خامنه‌ای، تبلور پیوند میان «عقل سیاسی» و «عرفان اخلاقی» بود. او به ما آموخت که می‌توان در عین صلابت در برابر دشمنان قسم‌خورده، با نهایت رفق با انسان‌ها برخورد کرد. این منش نه از سر ناتوانی یا کم توانی، بلکه از سر آگاهی عمیق بود؛ بصیرتی که می‌دانست حقیقت، در نهایت با آرامش و مدارا پیروز می‌شود، نه با تندی و خشمونت. رفق و مدارای وی، در واقع سرمایه انسانی نظام بود که اجازه نداد انقلاب در تلاطمات ایدئولوژیک تحلیل برود. در نهایت، الگوی ایشان به ما می‌آموزد که در دنیای امروز، مدارا نه یک نقطه ضعف، بلکه بزرگ‌ترین نقطه قوت هر رهبر است که بنا دارد دل‌های مردم را تسخیر کند و بذر حقیقت را در قلب‌ها بکارد. این همان مدارای راهبردی است که در هر عصری، تنها راه نجات انسان‌ها از تاریکی لجاجت و تکبر است.



۱۳۹۶ آبان ۳۰، حضور در مناطق زلزله زده استان کرمانشاه